



پایان نامه کارشناسی ارشد

رشته علوم حدیث

گرایش نهج البلاغه

عنوان پایان نامه

بررسی نفاق در نهج البلاغه

استاد راهنما

دکتر اعظم رحمت آبادی

استاد مشاور

مریم پور حسینی

دانشجو

محبوبه محمدزاده لاری

ماه و سال دفاع

شهریور ۱۳۹۱

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

«تمام حقوق این اثر متعلق به دانشکده علوم حدیث است»

تقديم

أباصالح المهدي

اللَّهُمَّ إِنَّا نَرْغَبُ إِلَيْكَ فِي دَوْلَةٍ كَرِيمَةٍ

تُعَزُّ بِهَا الْإِسْلَامَ وَ أَهْلَهُ

وَ تُذِلُّ بِهَا النِّفَاقَ وَ أَهْلَهُ

سپاس

قال علی (علیه السلام): «أَشْكُرُ مَنْ أَنْعَمَ عَلَيَّكَ وَأَنْعِمُ عَلَيَّ مَنْ شَكَرَكَ»

«شکر کن کسی را که به تو نعمتی داده و انعام کن به کسی که تو را شکر کرد.»

(غررالحديث، ۶۱۵۲)

با سپاس فراوان از حضرت حق تعالی که توفیق تلاش جهت معرفت اولیاء و اوصیاء دین (علیه السلام) را به این حقیر ارزانی داشت و با تشکر از تمام کسانی که این راه هدایت و روشنی را پیش رویم گذاردند.

بسیار سپاسگزارم از تمام مسئولان دانشکده علوم حدیث که امکان تعلیم نهج البلاغه را از راه دور و نزدیک برای همگان هموار نمودند و ما را با کلام مولا امیر المؤمنین (علیه السلام) آشنا و مأنوس ساختند.

سپاس و تشکر فراوان از استاد راهنما سرکار خانم دکتر اعظم رحمت آبادی و استاد مشاور سرکار خانم مریم پورحسینی که راهنمایی‌های مدبرانه‌شان راهگشای کارم بوده است.

تشکر مخصوص از خانواده، همسر و فرزندانم که با شکیبایی مرا یاری رساندند.

خالصانه دعای مولایم را برای همه بزرگواران خواستارم.

چکیده

موضوع پژوهش «بررسی نفاق در نهج البلاغه» است.

«نفاق» فعل منافق است و منافق کسی است که کفر خود را در دل پنهان می‌کند، ولی به زبان اظهار ایمان می‌نماید.

با توجه به اینکه نفاق نوعی بیماری اخلاقی است که پیوسته دامن‌گیر جوامع انسانی بوده و منافق آفتی برای این جوامع است؛ و با عنایت به این که در درون جامعه به سر می‌برد و به ظاهر خود را هم‌رنگ اجتماع و دوست می‌نمایند، می‌تواند ضربات جبران‌ناپذیری وارد نماید.

خداوند متعال در قرآن کریم، علاوه بر این که در یک سوره به طور ویژه به این مسئله پرداخته است، در آیات دیگری به ویژگی‌های منافقان و پیامدهای نفاق اشاره کرده است.

علاوه بر این در روایات بسیاری از پیامبر اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) و ائمه اطهار (عَلَيْهِمُ السَّلَام) به ویژه حضرت علی (عَلَيْهِ السَّلَام) در مذمت و نکوهش نفاق و منافقین مطالبی وارد شده است که این اشارات، خطر این صفت پلید انسانی برای آحاد جامعه و لزوم هوشیاری در مقابل آن را می‌رساند. لذا بر آن شدم تا این رذیله اخلاقی را از دیدگاه امام علی (عَلَيْهِ السَّلَام) مورد بررسی قرار داده، و با شناخت ضربه‌هایی که نفاق منافقان بر جامعه اسلامی وارد کرده است، نگاهی به چگونگی دور شدن مردم از حق و حقیقت که همان ولایت الهی است و جایگزین شدن باطل که پس از رحلت پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) با دسیسه‌های منافقانه در سقیفه شکل گرفت، داشته باشم.

باید توجه داشت نفاق از موارد مشابه مانند تقیه، کتمان ممدوح و رازداری قابل تفکیک است زیرا دو رویی با سوء نیت همراه است و به صورت کلی به دو دسته نفاق در عقیده و نفاق در عمل تقسیم می‌شود.

این رفتار مذموم ریشه در بی‌اعتقادی به خداوند عزوجلّ و بی‌توجهی به مضامین عالی قرآن کریم دارد و مواردی مانند عدم تحمل پیروزی دین حق و رذایل اخلاقی مانند دروغ‌گویی، ذلت و حقارت درونی، ستیزه‌جویی، هوی و هوس، طمع و دنیا طلبی زمینه‌های به وجود آمدن آن را مستعد می‌نماید.

در پی ریشه‌ها و زمینه‌هاست که شاخصه‌های نفاق در ابعاد گوناگون چون فردی، سیاسی و اجتماعی پدیدار می‌گردد.

از نشانه‌های فردی، شک و تردید، پارسایی دروغین، ولایت ستیزی و دشمنی خاص با امیر المؤمنین (علیه السلام)، شخصیت محوری به جای حقیقت محوری، کراهت از جهاد، حسد و خودبینی... است، که فرد را از حقیقت دور می‌کند و پذیرش حق را برای او سخت و غیر ممکن می‌سازد و مهمترین شاخصه‌های سیاسی مانند ایجاد جنگ روانی، تفرقه و فتنه افکنی که می‌تواند جامعه را به انحراف سوق دهد و شاخصه‌های اجتماعی مانند پیمان شکنی و خیانت و غیره ... پدیدار گردد.

نفاق پیامدهای سوئی در طول تاریخ به ویژه جامعه صدر اسلام داشته است، مانند تباهی ایمان و نپذیرفتن حکمت، محرومیت از هدایت و آمرزش الهی و جهنم و عذاب دردناک.

البته از دیدگاه امام علی (علیه السلام) راه‌های درمان و برون رفتی نیز دارد. مانند بهره‌گیری از قرآن و دعا، آموزش و تنویر افکار، بصیرت افزایی و غیره.

امید که با بکارگیری این راهکارها، مانع از فراگیر شدن رذیله نفاق در جامعه اسلامی بشویم تا مسلمانان بتوانند صحیح را از ناصحیح تشخیص داده و با فکری باز و محققانه، به مسائل آتی جهان اسلام بنگرند. واژگان کلیدی: نفاق، منافق، ریشه‌ها و زمینه‌های نفاق، پیامدهای نفاق.

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱۳	مقدمه
۱۶	فصل ۱: کلیات
۱۷	۱.۱. بیان مسئله
۱۷	۱.۲. ضرورت و اهمیت
۱۸	۱.۳. سؤال‌ها
۱۸	۱.۴. فرضیه‌ها
۱۸	۱.۵. پیشینه موضوع
۱۹	۱.۶. تعاریف و مفاهیم
۱۹	۱.۶.۱. معنای لغوی و اصطلاحی نفاق
۲۰	۱.۶.۲. تفکیک نفاق از موارد مشتبه
۲۱	۱.۶.۲.۱. تقیه
۲۱	۱.۶.۲.۲. کتمان ممدوح
۲۲	۱.۶.۲.۳. رازداری
۲۳	۱.۶.۳. گونه‌های نفاق
۲۳	۱.۶.۳.۱. نفاق در عقیده
۲۵	۱.۶.۳.۲. نفاق در عمل

فصل ۲: ریشه‌ها و زمینه‌های بروز نفاق از منظر امام علی (علیه السلام) ۲۹

- ۲.۱. ریشه‌های نفاق ۳۰
- ۲.۱.۱. بی‌اعتقادی به خداوند عزوجل ۳۰
- ۲.۱.۲. بی‌توجهی به مضامین عالی قرآن کریم ۳۲
- ۲.۲. زمینه‌های بروز نفاق ۳۴
- ۲.۲.۱. عدم تحمل پیروزی دین حق و تسلط آن بر اجتماع ۳۴
- ۲.۲.۲. ذلت و حقارت درونی ۳۶
- ۲.۲.۳. ستیزه‌جویی ۳۷
- ۲.۲.۴. هوای نفس و طمع ورزی ۳۷
- ۲.۲.۵. دنیاطلبی ۳۹

فصل ۳: شاخصه‌های نفاق از دیدگاه امام علی (علیه السلام) ۴۴

- ۳.۱. شاخصه‌های اعتقادی ۴۵
- ۳.۱.۱. شک و تردید ۴۷
- ۳.۱.۲. پارسایی دروغین ۴۷
- ۳.۱.۳. ولایت ستیزی (تمایل به طاغوت) ۴۸
- ۳.۱.۴. دشمنی خاص با امیرالمؤمنین حضرت علی (علیه السلام) ۵۲
- ۳.۲. شاخصه‌های سیاسی ۵۴
- ۳.۲.۱. ایجاد جنگ روانی ۵۴
- ۳.۲.۲. تفرقه و فتنه‌افکنی ۵۸
- ۳.۳. شاخصه‌های فردی ۵۹
- ۳.۳.۱. شخصیت محوری به جای حقیقت محوری ۵۹
- ۳.۳.۲. لحن گفتار ۶۰
- ۳.۳.۳. راحت‌طلبی و کراهت از جهاد ۶۲
- ۳.۳.۴. آراستگی ظاهر و دروغین ۶۷

- ۳.۳.۵. تلاشگر پنهانی و بیراهه روندگان ۶۹
- ۳.۳.۶. حسد ۶۹
- ۳.۳.۷. ناامید کننده امیدواران ۷۱
- ۳.۳.۸. گریه‌های دروغین ۷۱
- ۳.۳.۹. علم بی عمل ۷۲
- ۳.۳.۱۰. به هم آمیزنده حقّ با باطل ۷۳
- ۳.۳.۱۱. منحرف کننده ۷۴
- ۳.۳.۱۲. زاهدان حریص و طمع کاران مأیوس ۷۴
- ۳.۳.۱۳. هموار کننده راه ضلالت ۷۵
- ۳.۳.۱۴. حزب شیطان ۷۶
- ۳.۴. شاخصه‌های اجتماعی ۷۶
- ۳.۴.۱. حيله‌گری ۷۶
- ۳.۴.۲. کمین کننده برای انحراف مؤمنین ۷۷
- ۳.۴.۳. افزاینده‌گان بلا ۷۸
- ۳.۴.۴. ثنا گویان معامله گر ۷۸
- ۳.۴.۵. اصرار کننده درخواست‌ها ۷۸
- ۳.۴.۶. ملامت کنندگان پرده در ۷۸
- ۳.۴.۷. داوران اسراف گر ۷۹
- ۳.۴.۸. غیبت ۷۹
- ۳.۴.۹. پیمان شکنی ۸۰
- ۳.۴.۱۰. خیانت ورزیدن ۸۱
- ۳.۴.۱۱. چاپلوسی ۸۲
- ۳.۴.۱۲. آسان گیری بر خود و سخت گیری بر مردم ۸۲

فصل ۴: پیامدهای نفاق از منظر امام علی (علیه السلام) ۸۵

۴.۱. پیامدهای دنیوی نفاق ۸۵

۴.۱.۱. تباهی ایمان ۸۵

۴.۱.۲. نفاق آفت فرهنگ ۸۶

۴.۱.۳. نپذیرفتن حکمت ۸۷

۴.۲. پیامدهای اخروی نفاق ۸۸

۴.۲.۱. محرومیت از هدایت و آمرزش الهی ۸۸

۴.۲.۲. بی‌آبرویی ۸۹

۴.۲.۳. جهنم و عذاب دردناک ۹۰

فصل ۵: تأثیر نفاق در حوادث سیاسی بعد از رحلت حضرت رسول (صلی الله علیه و آله و سلم) ۹۳

۵.۱. غصب خلافت بزرگ‌ترین دستاورد حزب نفاق ۹۴

۵.۱.۱. امامت منصب الهی ۹۴

۵.۱.۲. زمینه‌سازی برای غصب خلافت ۹۶

۵.۱.۳. سقیفه ۹۷

۵.۲. اعمال منافقانه و خلاف کاری خلفاء پس از غصب خلافت ۱۰۶

۵.۲.۱. بیعت اجباری از امیرالمؤمنین (علیه السلام) ۱۰۶

۵.۲.۲. ضایع نمودن حقوق مالی اهل بیت (علیهم السلام) ۱۰۹

۵.۲.۳. توهین و بی‌احترامی به اهل بیت (علیهم السلام) ۱۱۰

۵.۲.۴. اذیت کردن اصحاب امام (علیه السلام) ۱۱۲

۵.۲.۵. بدعت‌های خلفاء ۱۱۴

۵.۳. عملکرد منافقین در دوران حکومت امیرالمؤمنین (علیه السلام) ۱۱۸

۵.۳.۱. بیعت منافقانه با امیرالمؤمنین (علیه السلام) ۱۱۸

۵.۳.۲. پدیده نفاق در جنگ‌هایی که علیه امیرالمؤمنین (علیه السلام) بر پا شد ۱۲۳

۵.۳.۲.۱. جنگ جمل ۱۲۳

۱۲۸.....	جنگ صفین ۵.۳.۲.۲
۱۳۱.....	جنگ نهروان ۵.۳.۲.۳
۱۳۲.....	نفاق کارگزاران عصر علوی ۵.۳.۳
۱۳۳.....	منذر بن جارود عبدی والی فارس ۵.۳.۳.۱
۱۳۴.....	مصقله بن هبیره شیبانی فرماندار اردشیر خُره ۵.۳.۳.۲
۱۳۵.....	قعقاع بن شور کارگزار کسکر ۵.۳.۳.۳

فصل ۶: درمان و راه‌های مبارزه با نفاق ۱۳۷

۱۳۸.....	۶.۱ درمان نفاق با قرآن و دعا.....
۱۳۸.....	۶.۱.۱ بهره‌گیری از قرآن.....
۱۴۰.....	۶.۱.۲ دعا.....
۱۴۱.....	۶.۲ راه‌های مبارزه با نفاق.....
۱۴۳.....	۶.۲.۱ آموزش و تنویر افکار.....
۱۴۶.....	۶.۲.۲ بصیرت‌افزایی.....
۱۵۰.....	۶.۲.۳ افشاگری.....
۱۵۳.....	۶.۲.۴ ملامت و سرزنش.....
۱۵۵.....	۶.۲.۵ برخورد قاطع.....
۱۵۵.....	۶.۲.۶ پیکار مسلحانه.....

فصل ۷: فصل پایانی..... ۱۵۸

۱۵۹.....	۷.۱ نتیجه.....
۱۶۱.....	۷.۲ پیشنهادهای.....
۱۶۲.....	۷.۳ فهرست منابع و مأخذ (فارسی، عربی).....
۱۶۹.....	۷.۴ الموجز.....
۱۷۱.....	۷.۵ ABSTRACT.....

مقدمه

«نَحْمَدُهُ عَلَى مَا وَفَّقَ لَهُ مِنَ الطَّاعَةِ وَذَادَ عَنْهُ مِنَ الْمَعْصِيَةِ وَنَسَأَلُهُ لِمَنْتَهُ تَمَاماً وَبِحَبْلِهِ اغْتِصَاماً وَنَشْهَدُ أَنْ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ خَاضَ إِلَى رِضْوَانِ اللَّهِ كُلَّ غَمْرَةٍ وَتَجَرَّعَ فِيهِ كُلَّ غُصَّةٍ وَقَدْ تَلَوْنَ لَهُ الْأَذْوَانَ وَتَأَلَّبَ عَلَيْهِ الْأَقْصُونَ وَخَلَعَتْ إِلَيْهِ الْعَرَبُ أَعْنَتَهَا وَضَرَبَتْ إِلَى مُحَارَبَتِهِ بَطُونَ رَوَاحِلِهَا حَتَّى أَنْزَلَتْ بِسَاحَتِهِ عَدَاوَتَهَا مِنْ أُبْعَدِ الدَّارِ وَاسْحَقِ الْمَزَارِ»^۱ بر توفیق دادن ما به فرمانبرداری، و برکنار کردنش ما را از نافرمانی، او را سپاس می‌گوییم و ستایش می‌کنیم، و از او می‌خواهیم که فراهم کردن زمینه بهره‌مند شدن از نعمتش را و به ریسمان او چنگ زدن را به کمال رساند. گواهی می‌دهیم که محمد، بنده و فرستاده اوست، برای رسیدن به خشنودی خدا به فرورفتن در هر گرداب سخت کوشید، و هر اندوه گلوگیر را در راه او پی‌درپی نوشید، خویشان نزدیک‌تر برای او به رنگ‌وروی دیگری درآمدند، و کسان دورتر به دشمنی بر سر او فراهم گشتند، و مردم عرب همگی افسار ستوران خود را برای گسیل شدن به سوی او رها کردند، و برای رفتن به کارزار با او پا بر شکم اسبهای سواری خود زدند، تا این‌که از دورترین خانه‌ها و کنار افتاده‌ترین دیدارگاه‌ها، بار دشمنی خویش را بر در سرای او فرود آوردند.

نفاق نوعی بیماری اخلاقی است که پیوسته دامن‌گیر جوامع انسانی بوده و منافق آفتی برای این جوامع است؛ زیرا با توجه به این‌که در درون جامعه به سر می‌برد و به ظاهر خود را هم‌رنگ اجتماع و دوست می‌نماید، می‌تواند ضربات جبران‌ناپذیری وارد نماید. لذا قرآن کریم در چند جا، علاوه بر این‌که در یک سوره به طور ویژه به این مسئله پرداخته است، در آیاتی دیگر نیز به آن اشاره کرده است.

در روایات بسیاری از پیامبر اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ) و ائمه اطهار (عَلَيْهِمُ السَّلَام) به ویژه حضرت علی (عَلَيْهِ السَّلَام) در مذمت و نکوهش نفاق و منافقین مطالبی وارد شده است که این اشارات، خطر این صفت پلید انسانی برای آحاد جامعه و لزوم هوشیاری در مقابل آن را می‌رساند.

۱. سیدرضی، ابو الحسن محمد بن الحسین، نهج البلاغه، ترجمه دکتر سید محمد مهدی جعفری، تهران، ذکر، ۱۳۸۴، خطبه ۱۹۳.

نفاق منافق در تمام زوایای حیات انسانی ریشه دوانده و بر همه مسائل اخلاقی تأثیر گذار است و مانند آفتی خطرناک جامعه اسلامی را مورد تهاجم قرار می دهد و آن را به پستی کشانده و زندگی صلح آمیز بشر را با فتنه و آشوب همراه می نماید.

آفتی خانمان سوز که ضربه‌های مهلک و کشنده‌ای را بر فرد و جامعه وارد ساخته است، و هر زمان که جامعه، زیرک‌تر و آگاه‌تر گردیده و توانسته به واقعیاتی دست یابد، نفاق و دو رویی او بیشتر مشخص شده و حيله و فریب او افزون‌تر گردیده است و به جای حرکت در مسیر کمال، سیر نزولی داشته است. کم بوده‌اند افرادی که حقیقت خویش را گم نکرده و با استفاده از آگاهی و شناخت، بر درجات و فضایل انسانی خویش افزوده، و از دام رذایل اخلاقی و امیال نفسانی رهایی یافته‌اند.

شکست عقل در برابر شهوت و امیال نفسانی انسان، موجب رسوایی و فترت معنوی و روحی او گردیده، و بیشتر هم و غمّش متوجه مسائل ظاهری و مادی گردیده است و از عوالم نورانی فوق طبیعت، غافل و بی خبر مانده، و طمع به جاه و مقام و شهرت های فانی و افتخارات خیالی، چشم حقیقت بین او را کور کرده است. او دانش را طلب می کند، اما از ثمره آن بی بهره است؛ خوب سخن می گوید، اما از درک خیر و شر آن، ناتوان است؛ ظاهری زیبا و آراسته و زبانی گویا دارد، اما باطنش زشت و خاموش است؛ با دانشی جاهلانه، در عقیده و ایمان ناتوان است؛ هر روز رنگی عوض می کند.

وضع انسان امروزی، آن قدر نا بسامان است که گویا شیطان بر فکر و اندیشه او حکومت می کند و کمتر کسی یافت می شود که هدف و غایتی واقعی و حقیقی را دنبال کند.

انسان های امروزی، به مسافران کاروانی می مانند که قافله سالاران، آنان را به سوی بدبختی و گمراهی سوق می دهد و در درّه های هولناک رذایل حیوانی سقوطشان می دهد.

آدمی، مانده که از کدام نقص و کمبود و خیانت سخن بگوید؟ از دانشمندان دو رویی که با شعار نو گرایی و روشنفکری به جنگ با فطرت پاک و عقیده سالم توده ها آمده اند، فریاد کند، یا از آنان شکوه کند که با گفتاری حق به جانب به جامعه خیانت می کنند و با سخن حق به ترویج باطل پرداخته و به تبلیغ فرهنگ های بی اصل و ریشه ضد دینی اقدام می کنند؟

شاید در جستجوی صدق و صفا و خوبی، باید به سراغ عده‌ای که در میان اجتماع ناشناخته و یا مطرود شده‌اند، رفت و در سیمای ساده و بی آرایش آنان انسانیت را مطالعه و از قلب پاکشان حقیقت را مطالبه کرد. آنان که وارثان به حق، پیشگامان ایمان و اسلامند، و در هیاهو و زرق و برق دنیای امروزی، ایمان و عقیده خود را حفظ کرده‌اند.

امام علی (علیه السلام) می فرمایند:

«وَاعْلَمُوا رَحِمَكُمُ اللَّهُ أَنْكُمْ فِي زَمَانِ الْقَائِلِ فِيهِ بِالْحَقِّ قَلِيلٌ وَاللِّسَانُ عَنِ الصِّدْقِ كَلِيلٌ وَاللَّازِمُ لِلْحَقِّ دَلِيلٌ أَهْلُهُ مُعْتَكِفُونَ عَلَى الْعِصْيَانِ مُصْطَلِحُونَ عَلَى الْإِدْهَانِ فَتَاهُمْ عَارِمٌ شَائِبُهُمْ آئِمٌ وَعَالِمُهُمْ مُنَافِقٌ وَقَارِئُهُمْ مُمَازِقٌ لَا يُعْظَمُ صَغِيرُهُمْ كَبِيرُهُمْ وَلَا يَعُونُ غَنِيَّهُمْ فَقِيرُهُمْ»^۱ و - خدا شما را مهربان باد - بدانید که شما در روزگاری به سر می‌برید که گوینده به حق در آن اندک است، و زبان از گفتن به راستی کند، و همراه با حق، خوار. مردم آن روزگار فروخته‌اند بر نافرمانی، و سازشکار با یکدیگرند در چرب‌زبانی. جوانشان سرکش و بی‌شرم، و پیرشان بزهکار و بی‌آزم، و دانشمندشان دوروی، و [قرآن] خواندگانشان در دوستی ناپاک و دروغگوی، نه خردسالشان سالمندشان را بزرگ شمارد، و نه توانگرشان مستمندشان را به زیر بال یاری خود آرد.

از آن جا که این همه آثار شوم و عواقب وخیم نفاق، در هر زمانی وجود داشته و در عصر حاضر نیز به اوج خود رسیده است، سزاوار غفلت و سهل انگاری نیست، لذا با توجه به اهمیت موضوع، تحقیق پایانی خویش را به بررسی نفاق اختصاص داده و مطالب را در هفت فصل مرتب کرده‌ام. امیدوارم مورد مقبول درگاه حق قرار گیرد.

۱. سیدرضی، ابو الحسن محمد بن الحسین، نهج البلاغه، ترجمه دکتر سید محمد مهدی جعفری، پیشین، خطبه ۲۳۳؛ مغنیه، محمد جواد، فی ظلال نهج البلاغه، بیروت، دار العلم للملایین، ۱۳۵۸، ج ۳، ص ۳۴۵.

فصل اول:

کلیات

۱.۱. بیان مسئله

نفاق یکی از صفات رذیله و بلکه پست‌ترین آن‌ها است، که متأسفانه در طول زندگی بشر صدمات بی‌شماری بر پیکر فرد و اجتماع وارد ساخته و انسان را به سوی تباهی سوق می‌دهد، به گونه‌ای که آثار سوء آن آخرت افراد را تحت تأثیر خود قرار داده و دوزخ و عذاب دردناک را در پی دارد.

نفاق از مادهٔ نفاق، به معنای سوراخ زیرزمینی، فنا شدن و گذشتن از چیزی است و در اصطلاح به معنای دورویی، یکی نبودن ظاهر و باطن است.

منظورمان از نفاق در این رساله، معنای اصطلاحی، دورویی است.

در این رساله با بررسی مفهوم لغوی و اصطلاحی نفاق و تفکیک آن از موارد مشتبه مانند تقیه، کتمان ممدوح، رازداری؛ و با تقسیم نفاق، به نفاق در عقیده و عمل و با بررسی ریشه‌ها و زمینه‌های بروز نفاق به بررسی شاخصه‌های منافقین و عواقب نفاق، و تأثیر نفاق بر حوادث سیاسی بعد از رحلت پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) و راه‌های درمان و مبارزه با نفاق، با استفاده از مجموعهٔ خطبه‌ها، نامه‌ها، و حکمت‌های نهج البلاغه پرداخته، و با بررسی کلی کلام امام علی (عَلَيْهِ السَّلَام) در زمینهٔ نفاق می‌توانیم منافقین را شناسایی و بر اساس گفتار امام (عَلَيْهِ السَّلَام) راهکار مناسب جهت مبارزه با آنان ارائه داد.

۱.۲. ضرورت و اهمیت

با توجه به این که نفاق و دورویی در قرآن کریم و کلام معصومین (عَلَيْهِمُ السَّلَام) بسیار مورد مذمت و نکوهش واقع شده است و خطر منافقین برای جامعه از کفار و مشرکین بیشتر بوده است؛ لذا شناسایی منافقین و راههای مبارزه با نفاق و منافق امری ضروری است. لذا هدف من در این پژوهش شناخت منافقین و راههای مبارزه با آنان و ارائهٔ راهکارهای مناسب بر اساس متون نهج البلاغه، برای افشا کردن این رذیله است.

۱.۳. سؤال‌ها

۱. ریشه‌ها و زمینه‌های نفاق از دیدگاه امیرالمؤمنین (علیه السلام) چیست؟
۲. شاخصه‌های نفاق از منظر امیرالمؤمنین (علیه السلام) چیست؟
۳. نفاق از دیدگاه امیرالمؤمنین (علیه السلام) چه پیامدهایی دارد؟
۴. راه‌های مبارزه با نفاق از منظر امیرالمؤمنین (علیه السلام) چیست؟

۱.۴. فرضیه‌ها

۱. بی‌اعتقادی به خداوند عزوجل و بی‌توجهی به مضامین عالی قرآن کریم، عدم تحمل پیروزی دین حق، ذلت و حقارت درونی، ستیزه‌جویی، هوی نفس، طمع ورزی و دنیاطلبی از ریشه‌ها و زمینه‌های نفاق است.
۲. شک و تردید، پارسایی دروغین، ولایت ستیزی و دشمنی خاص با امیرالمؤمنین (علیه السلام)، ایجاد جنگ روانی، پارسایی دروغین، شخصیت محوری به جای حقیقت محوری از مهمترین شاخصه‌های نفاق است.
۳. از مهمترین پیامدهای نفاق محرومیت از هدایت و آموزش الهی و عدم قبولی اعمال و حبط عمل، جهنم و عذاب دردناک است.
۴. از مهمترین راه‌های مبارزه با نفاق استحکام عقیده و ایمان و تسری فرهنگ قرآنی و اهل بیت (علیهم السلام)، بصیرت افزایی، افشاگری، برخورد قاطع با تردید افکنان است.

۱.۵. پیشینه موضوع

با توجه به این که جریان نفاق از صدر اسلام تاکنون در جوامع اسلامی مسئله‌ساز بوده است و در قرآن کریم علاوه بر آیات متعدد، سوره‌ای به نام منافقون وجود دارد، اندیشمندان اسلامی در آثار علمی خود در این مورد مطالب ارزشمندی نگاشته‌اند که برخی از آن‌ها در قالب کتاب‌های تفسیری و روایی مانند: غررالحکم و دررالکلم (آمدی)، و در شروح نهج البلاغه مانند بهج الصباغه، شرح ابن ابی الحدید و... و نیز در آثاری که به طور خاص با موضوع نفاق منتشر شده است، مانند: کتاب دشمنان دوست‌نما (جعفر سبحانی)، نفاق و منافق از دیدگاه شهید مطهری (زهرآ آشتیان)، نفاق یا کفر پنهان (محمدکاظم نیک‌نام)، شناخت منافقین (علی حسینی یکتا)، و همچنین پایان‌نامه‌ها و

مقالاتی مانند پایان‌نامه نفاق در قرآن و سنت (نجمه سالار پیشه)، مقاله نفاق (هادی مسعودی در دانشنامه امام علی (علیه السلام)، ج ۴)، مقاله هشدارهای اجتماعی نفاق و دورویی (ابوالقاسم یعقوبی) آمده است.

با بررسی کتاب‌ها و مقالات گردآوری شده، برخی منابع به صورت بسیار مختصر به این موضوع پرداخته، و در بسیاری موارد، مطالب و روایات مشابه تکرار شده است و یا به صورت غیرمنسجم و پراکنده در بعضی کتاب‌ها به آن پرداخته شده است؛ لذا اثر حاضر را که مستند به سخنان و خطبه‌های حضرت علی (علیه السلام) است، نسبت به دیگر آثار موجود به طور منسجم‌تر و کاربردی‌تر تنظیم شده که ابعاد مختلف نفاق را بررسی کرده است.

۱.۶. تعاریف و مفاهیم

۱.۶.۱. معنای لغوی و اصطلاحی نفاق

ماده «ن، ف، ق» در لغت عرب در دو معنای اصلی به کار رفته است.

دو معنای اصلی آن، یکی «تمام و فنا شدن»^۱ و دیگری «پوشیده و پنهان داشتن»^۲ است.

از معنای نخست، استعمال‌های «نفقت الدابة»^۳ به معنای تمام شدن عمر چهارپا و «نفق نفقة القوم»^۴ به معنای تمام شدن زاد و توشه است.

در معنای دوم، واژه‌های «نفق» به معنای تونل و راه زیرزمینی^۵ قال:

﴿فَإِنْ أَسْتَطَعْتَ أَنْ تَبْتَغِيَ نَفَقًا فِي الْأَرْضِ﴾^۶

و همچنین «نافقاء» در برابر «قاصعاء» به معنای یکی از دو سوراخ لانه موش صحرايي به کار رفته‌اند.^۷

۱. ابن فارس، ابی‌الحسین احمد، معجم مقاییس اللغة، تحقیق عبد السلام محمد هارون، بی‌جا، مکتبه الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۴ق، ج ۵، ص ۴۵۴.

۲. زمخشری، محمود بن عمر، اساس البلاغه، چاپ اول، بیروت، دارالمعرفه، ۱۴۱۲ق، ص ۶۴۸.

۳. ابن فارس، ابی‌الحسین احمد، پیشین.

۴. ابن منظور، محمد، لسان العرب، مصحح: امین محمد عبدالوهاب، محمد صادق عبیدی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چاپ اول، ۱۴۰۲ق، ۱۹۹۸م، ج ۱۰، ص ۴۵۷.

۵. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات الفاظ القرآن، ترجمه غلامرضا خسروی حسینی، قم، مکتبه المرتضویة لإحیاء الآثار الجعفریة، ۱۳۸۳، ج ۳، ص ۳۸۶.

۶. انعام / ۳۵.

۷. فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، مصحح: اسعد اطیب، محقق: دکتر مهدی مخرومی و دکتر ابراهیم سامرای، قم، دار الهجره، ۱۴۰۹ق، ج ۵، ص ۱۷۷.

برخی نیز احتمال داده‌اند که این دو معنا، به یک دیگر بازگشته، یک ریشه دارند.^۱

به گفته ابن منظور در لسان العرب، عرب ماده و هیئت‌های گوناگون «نفاق» را برای انسان به کار نمی‌برد^۲ و تنها پس از کاربرد قرآنی آن، معنای این واژه در زبان عرب توسعه یافت. قرآن با استخدام این لفظ برای کسی که کفر خود را پوشیده می‌دارد و اظهار ایمان می‌نماید^۳، به یکی از وجوه پنهان روح و بیماری‌های نهان انسان اشاره کرده است. به گفته بسیاری از لغویان و مؤلفان غریب الحدیث، این استخدام با معنای لغوی نفاق تناسب دارد و بر اساس این تشبیه ساخته شده است که منافق نیز داخل «نفاق» یا «نفاقاء» می‌شود تا خود را پنهان بدارد و اگر بتواند بگریزد.^۴ پیامبر (ﷺ) و مسلمانان صدر اسلام با فهم همین معنا، این واژه و مفهوم قرآنی را بر کسی تطبیق می‌کردند که به ظاهر، ادعای مسلمانی، و در باطن با کافران ارتباط داشت، و در درون و نهان شکاک و مردد و گاه کافر مطلق بود و در برون مسلمان می‌نمود. با رواج این استعمال و کاربرد آن در دیگر مصداق‌ها، همچون انسان خیانتکار، ریاکار و کسی که حضور و غیبتش یکی نیست، توسعه معنایی نفاق افزون‌تر گشت. توجه به این گستره معنایی، در سیر بحث و فهم احادیث و نیز در جای خود دیدن و نهادن دستورات گوناگون دینی در برخورد با منافقان، تأثیر بسزایی دارد.^۵

توسعه معنایی نفاق، گستره اقتصادی را نیز فرا گرفته بطوری که مشتقات انفاق، نفقه...^۶ از اصطلاحات اقتصادی است که در منابع اسلامی پرکاربرد است. اما در این پایان نامه مورد نظر ما نیست.

۱.۶.۲. تفکیک نفاق از موارد مشتبه

در بررسی، پیرامون پدیده نفاق، چند واژه را باید از هم جدا نمود: تقیّه، کتمان ممدوح و رازداری؛ به این منظور به طور اجمال به هریک از این موارد می‌پردازیم:

۱. ابن فارس، ابی‌الحسین احمد، معجم مقاییس اللغة، پیشین، ج ۵، ص ۴۵۵ و ۴۵۴.

۲. ابن منظور، محمد، ج ۱۰، ص ۳۵۹.

۳. علامه طباطبایی می‌گوید: نفاق در عرف قرآن اظهار ایمان و ابطان کفر است. ن. ک: طباطبایی، محمدحسین، تفسیر المیزان، قم، انتشارات دفتر جامعه مدرسین، ۱۴۱۷، چاپ پنجم، ج ۱۹، ص ۲۷۸.

۴. ابن منظور، محمد، پیشین.

۵. رشاد، علی اکبر، دانشنامه امام علی (ع)، تهران، مرکز نشر آثار و پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۰، ج ۴، ص ۳۹۵.

۶. ابن منظور، محمد، پیشین.